

نقض تعهدات فراسرزمینی آمریکا از طریق تحریم‌های اقتصادی یکجانبه علیه

ایران و صلاحیت نهادهای بین‌المللی حقوق بشر

امیر مقامی^۱، علی اکبر جعفری ندوشن^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۷

چکیده: تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران که با هدف تغییر رفتار یا تغییر نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران وضع و اجرا شده به‌طور مستقیم و غیرمستقیم منجر به نقض حقوق بشر ایرانیان شده است و به ویژه بهره‌مندی از حقوق اقتصادی را با چالش مواجه می‌کند. پژوهش توصیفی - تحلیلی حاضر به دنبال پاسخ این پرسش است که آیا تحریم‌های مزبور ناقض تعهدات حقوق بشری آمریکاست؟ و اگر آری، از طریق کدام نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و با چه شیوه‌ای می‌توان به آن واکنش نشان داد؟ حاصل ارزیابی آن که تحریم‌های مزبور نقض تعهدات فراسرزمینی به احترام و همکاری بین‌المللی است و درمیان نهادهای بین‌المللی حقوق بشر، شورای حقوق بشر از صلاحیت رسیدگی به آنها درخلال گزارش ادواری جهانی و یا از طریق آیین‌های اختصاصی برخوردار است. همچنین شورا می‌تواند به شکایات فردی درخصوص نقض حقوق بشر به سبب تحریم‌ها نیز رسیدگی نماید و در این موارد علاوه بر دولت آمریکا، می‌توان دولت‌های ثالث را نیز که واجد مسئولیت بین‌المللی باشند، مخاطب شکایت قرارداد. صلاحیت دیگر نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و حتی دیوان کیفری بین‌المللی (از حیث رابطه جنایات علیه بشریت و حقوق بشر) نیز در ادامه مورد ارزیابی قرار گرفته است.

واژگان اصلی: تحریم، شورای حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، میثاق حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، تعهدات فراسرزمینی.

مقدمه

تحریم، یک ابزار برای پیشبرد سیاست خارجی محسوب می‌شود و دولت تحریم‌کننده از طریق آن تلاش دارد «با ایجاد درد و ناکامی» دولت، شخص یا سازمان مورد تحریم را به تغییر رفتار یا حتی تغییر ماهیت خود وادار سازد. (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۱) اگرچه تجربه نشان داده این ابزار برای نیل به این هدف در مدت متناسب یا حتی در طولانی مدت از کارآمدی لازم برخوردار نیست، (Tara Maller, 2010: 827) اما همچنان دولت‌ها این گزینه را روی میز خود نگه داشته‌اند و به حدی از آن استفاده می‌کنند که می‌توان گفت پس از اثبات ناکارآمدی توسل به زور و در نتیجه توقف یا کاهش سطح مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، عملاً در بسیاری موارد تحریم‌های اقتصادی جایگزین ابزار نظامی شده‌اند. (نفیو، ۱۳۹۷: ۱۲) با وجود این، همچنان در قانونی بودن (Rahmat, 2015: 80) مشروعیت (زمانی و غریب آبادی، ۱۳۹۴: ۱۲۴) این تحریم‌ها نیز تردیدهای جدی وجود دارد. طی بیش از چهار دهه اخیر، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تجربه دفاع نظامی در برابر توسل به زور، با انواع تحریم‌های اقتصادی نیز مواجه بوده است. نخستین تحریم‌های عمده علیه ایران، پس از وقایع روی داده در سفارت ایالات متحده در تهران وضع شد و دولت آمریکا تحریم‌هایی را وضع نمود که به موجب بیانیه الجزایر مرتفع گردید. مجدداً در میانه دهه ۹۰ کنگره آمریکا ایران را در کنار لیبی و کوبا موضوع تحریم‌های موسوم به قانون هلمز - برتون که به سبب ویژگی فراسرزمینی‌اش مورد انتقادات بسیاری بوده (آندریاس، ۱۳۹۰: ۹۳۹) قرار داد. این تحریم‌ها اولاً بازار جهانی نفت را برای ایران محدود می‌کرد و موانع جدی پیش روی توسعه صنایع نفتی و صادرات ایران قرار می‌داد، (مؤمنی راد و موسوی‌فر، ۱۳۹۱: ۱۵۰) ثانیاً به عنوان تحریم‌های ثانویه، سرمایه‌گذاری سایر دولتها یا شرکتهای غیرآمریکایی را در ایران نیز تهدید می‌کرد. با وجود این، اغلب تحریم‌های مزبور در پایان دهه ۹۰ عملاً ناکارآمد شده و دولت ایران توانسته بود اعتماد بخشی از شرکتهای نفتی مهم اروپا را برای سرمایه‌گذاری در ایران جلب کند.

آنچه بیش از هر زمان دیگری، تحریم را به یک چالش اساسی در اقتصاد ایران تبدیل کرد، سه گونه تحریم بود که در پی توسعه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای، ایران با آنها مواجه شد. نخست تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد بود که با ارجاع وضعیت ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت و با قطعنامه ۱۶۹۶ آغاز گردید. این تحریمها با قطعنامه ۱۹۲۹ به اوج رسید و سپس با پذیرش برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و تأیید آن طی قطعنامه ۲۲۳۱ کنار گذاشته شد. علاوه بر این، اتحادیه اروپا نیز در چارچوب اصول سیاست خارجی مشترک خود (Antonios, 2015: 146) تحریم‌هایی

علیه جمهوری اسلامی ایران وضع نمود. (امین زاده و خداپرست، ۱۳۹۱: ۱۶) که تحریم‌های شخصی مرتبط با ادعای نقض حقوق بشر نیز آن را تکمیل کرد. این گونه تحریم‌ها علاوه بر نقاط مشترک با تحریم‌های نوع سوم - که موضوع اصلی این مقاله هستند - یک ویژگی خاص دارند و آن انتساب به یک سازمان بین‌المللی است. گونه سوم تحریم‌ها از سوی ایالات متحده و با پیشینه تحریم‌های قانون هلمز-برتون بود که تدریجاً ابتدا در دوران ریاست جمهوری اوباما اوج گرفت، با پذیرش برجام، آمریکا متعهد به چشم‌پوشی از آنها شد و با روی کار آمدن ترامپ، تشدید شد. این تحریم‌ها دامنه وسیعی از محدودیت نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی، نقل و انتقال دلار و معاملات بانکی، خرید نفت و... را تشکیل می‌دهد. (www.treasury.gov) و به انحاء مختلف بر بودجه کشور، امکان تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بالاخص دسترسی به دارو و درمان بیماران تأثیر گذاشته، همچنین جابجایی و تحصیل ایرانیان در سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده است.

پژوهش حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی در پی آن است که از منظرگاه‌های گوناگون درون گفتمان حقوق بین‌الملل، ابتدا مشروعیت چنین تحریم‌های یکجانبه‌ای را ارزیابی نماید، سپس به مصادیق نقض حقوق بشر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در تصویب و اجرای این تحریم‌ها خواهد پرداخت. باتوجه به ماهیت حقوق موردتوجه در تحریم‌ها، حقوق مدنی و سیاسی در این پژوهش جنبه فرعی داشته و تأکید بیشتر بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در پی تمهید دو بخش نخست، ارزیابی صلاحیت نهادهای بین‌المللی حقوق بشر در رسیدگی به نقض تعهدات حقوق بشری دولت آمریکا است. بدیهی است که دیوان بین‌المللی دادگستری از شمول بحث حاضر خارج است که به دعای ترافیعی میان دولتها رسیدگی می‌کند. امکان تقاضای نظر مشورتی از دیوان نیز منتفی نیست، لیکن مستلزم همراه‌سازی مجمع عمومی ملل متحد است تا برای مثال این پرسش را در محضر دیوان طرح نماید که «آثار تحریم‌های یکجانبه (آمریکا علیه ایران) از منظر حقوق بین‌الملل (یا حقوق بین‌الملل بشر) چیست؟»^۱ و در هر صورت، دیوان یک نهاد بین‌المللی حقوق بشر محسوب نخواهد شد.

^۱ دیوان به طور خاص در قضیه آثار ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، با این شیوه تقاضای نظر مشورتی از سوی مجمع عمومی مواجه شد. ن.ک:

ICJ, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion (2004).

ارزیابی مشروعیت تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

از آنجا که اراده و رفتار دولت‌ها عنصر اصلی در ساخت قواعد حقوقی بین‌المللی است، استفاده مکرر دولت‌ها از حربه تحریم پرسشگری درباره مشروعیت آن را مشکل ساخته است. با وجود این، همچنان منظرگاه‌های گوناگونی برای ارزیابی مشروعیت این اقدام قابل توجه است.

از منظر حقوق بین‌الملل عام، استدلال‌هایی در موافقت و مخالفت با مشروعیت تحریم اقتصادی یکجانبه می‌توان ارائه کرد. (Allen, 2015: 76) موافقان بر فقدان ممنوعیت صریح تحریم در حقوق بین‌الملل تکیه کرده، اصل منع توسل به زور مندرج در ماده ۲ منشور ملل متحد را نیز به صورت مضیق تفسیر نموده و شامل زور اقتصادی نمی‌دانند. بنابراین اقداماتی که به صورت اکراه‌آمیز با هدف ارهاب یک ملت یا نظام سیاسی یا تغییر رفتار دولت انجام شود را فاقد ممنوعیت در حقوق بین‌الملل می‌دانند. به علاوه بر آزادی اراده ناشی از حاکمیت دولت تحریم‌کننده برای تنظیم روابط اقتصادی خود تأکید دارند. این دسته از استدلال‌ها با اعلامیه ضمیمه کنوانسیون ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات در تعارض است و در ثانی قادر به توجیه تحریم‌های ثانویه نیز نیستند. در مقابل، مخالفان نیز تحریم را اقدامی علیه حاکمیت و استقلال دولت تحت تحریم تلقی می‌کنند، (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۵: ۱۸۳) که اصل آزادی تجارت و در مواردی نیز اصولی چون حق تعیین سرنوشت و حاکمیت بر منابع طبیعی را مخدوش می‌سازد. قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی در تقبیح تحریم‌های اقتصادی (UN/GA/Res. 73/167. 72/168. 66/53. 68/53 etc) که مبتنی بر قطعنامه راجع به اعلامیه اصول روابط دوستانه است ((UN/GA/Res. 2625 (XXV) (1970)) نیز می‌تواند دلالت بر وجود یک اعتقاد حقوقی مبنی بر ممنوعیت تحریم باشد؛ که البته به جهت غیرالزامی بودن قطعنامه‌های نهاد مزبور و عدم موافقت بخش مهمی از کشورهای تحریم‌گر (نظیر آمریکا) با این قطعنامه‌ها، استناد به آنها مشکل است. حتی به-رغم عدم ممنوعیت مطلق تحریم یکجانبه، دولت‌ها باید در وضع و اجرای تحریم‌ها، دیگر تعهدات حقوقی بین‌المللی خود را (از جمله تعهدات حقوق بشری) مدنظر قرار دهند. (Daniel H, 2015: 84) و به ویژه از اقدامات یکجانبه که دارای آثار فراسرزمینی و مخل روابط تجاری میان دولت‌ها و مضر به تحقق حقوق شناسایی شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر است، به‌ویژه حق افراد و مردمان بر توسعه خودداری کنند. (A/Res/72/168: para 1) با وجود چنین سیالیت و انعطافی در حقوق بین‌الملل عام که مانع دستیابی به حداقلی از قطعیت در باب قانونی بودن توسل به تحریم است، می‌توان از منظرگاه‌های خاص حقوق بین‌الملل به این پدیده نگرست. معاهده

مودت میان دو کشور (با فرض اعتبار تا اکتبر ۲۰۱۹) آزادی تجارت را تاحدودی در روابط میان دو کشور استوار ساخته است. براین مبنا بود که جمهوری اسلامی ایران با صورتبندی حقوقی خروج آمریکا از برجام، ضمن اقامه دعوی در دیوان، مدعی شد برقراری تحریم‌های آمریکا مغایر عهدنامه مزبور (خصوصاً مواد ۴، ۷، ۸، ۹ و ۱۰) است. گرچه دیوان هنوز با صدور رأی در ماهیت اختلاف فاصله بسیاری دارد، اما انتظار می‌رود دفاعیات آمریکا عمدتاً بر ماده ۲۰ این معاهده استوار گردد که از جمله اجرای معاهده را در مواجهه با «منافع اساسی» خود متعذر می‌یابد. ارزیابی این قبیل دفاعیات در احراز مدعی ایران، حائز اهمیت خواهد بود.

یکی دیگر از ابعاد موضوع به ویژه در ارتباط با دعوی مزبور، دستور موقت دیوان در اکتبر ۲۰۱۸ است که صراحتاً و به عنوان یک دستور الزام‌آور (ICJ, 2018:100) بیان می‌نماید که آمریکا «باید با هر وسیله‌ای به انتخاب خود، محدودیت‌های ناشی از اقدامات (تحریمی) ۸ می ۲۰۱۸ را به منظور صادرات آزاد کالاهای مقتضی نیازهای انسان‌دوستانه ... حذف نماید». این دستور شامل کالاهایی نظیر تجهیزات پزشکی، کشاورزی، هواپیمایی کشوری و امثال آن می‌باشد. مطابق دستور دیوان، «برای این منظور آمریکا باید تضمین نماید که پروانه‌ها و اجازه‌نامه‌های اعطا شده و پرداخت‌ها و دیگر انتقالات مالی تاجایی که مربوط به کالاها و خدمات فوق‌الشاره هستند، مشمول هیچ محدودیتی نیستند.» (ICJ, 2018:98) بنابراین تحریم‌های مزبور تا جایی که مغایر/مانع اجرای دستور دیوان باشد، مغایر حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود.

از آنجا که تکیه‌گاه اصلی تحقیق حاضر، تأمل در منظرگاه حقوق بشر است؛ این پرسش اساسی را باید پاسخ داد که ورای اصول عمومی حقوق بین‌الملل عام و فارغ از تعهدات ناشی از معاهدات دوجانبه، تأثیر منفی تحریم‌های آمریکا بر تحقق حقوق بشری مردم ایران آنچنان که دولت ایران در لایحه و دفاعیات شفاهی خود در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مطرح نموده است،^۱ برای تحقیق حاضر اهمیت بیشتری خواهد داشت که در بخش آتی به آن اشاره خواهد شد. گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر درباره وضعیت حقوق بشر در ایران نیز طی گزارش‌های خود به این مسأله پرداخته و تأثیر تحریم‌ها بر روابط اقتصادی و بانکی ایران، همچنین حق دسترسی به غذا و حق

^۱ در زمان نگارش این اثر، بروز بلای جهانگیر (Pandemic) کرونا به ویژه در ایران مبتلایان بسیاری را به کام مرگ کشاند. کمبود تجهیزات پزشکی و پول، دولت ایران را در مبارزه با این ویروس دچار مشکل نمود و گرچه این مشکلات عملاً کشورهای دیگر را نیز تحت تأثیر قرار داد؛ اما دولت آمریکا در تحریم‌های خود تجدیدنظر نکرد.

بهداشت و سلامت را ارزیابی و موجب نگرانی دانسته است. (A/HRC/43/61, para 10-15) سازمان همکاری اسلامی نیز گزارش مشروحی از آثار منفی تحریم بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منتشر کرده است. (OIC/IPHRC/REP/ECO-SANC/2014/Cfm-41) این درحالیست که مجمع عمومی، تأکید نموده کالاهای ضروری نظیر غذا و دارو نباید به عنوان وسیله‌ای برای اجبار اقتصادی به کار گرفته شود. (A/Res/72/168: para 8)

منظرگاه دیگری نیز قابل تأمل است و آن حقوق بشردوستانه است. مقامات ایران طی دو سال اخیر بر این عقیده پای فشرده‌اند که تحریم‌های اقتصادی آمریکا «جنایت علیه بشریت» است. این مدعا به ویژه پس از آن تقویت شد که وزیر خارجه آمریکا در توییت از ضرورت به گرسنگی کشاندن مردم ایران برای مقابله با دولت ایران نوشت. (Cole, 2018) سالها پیش از آن، طراح اصلی تحریم‌های هسته‌ای ایران نوشته بود: «وقتی شما توانایی کشور را برای به دست آوردن ارز خارجی از طریق صادرات کاهش می‌دهید، طبیعتاً فشار بر واردات آن کشور را به خصوص در زمینه غذا و دارو افزایش می‌دهید. درست است که یک تحریم‌کننده می‌تواند ادعا کند که مسئولیت تنظیم واردات یک کشور با خود آن کشور است و آن کشور می‌تواند از تقابل به صورت کلی پرهیز کند، اما این نافی دردناک بودن تحریم‌ها نیست، خصوصاً در میان عامه مردم و نمی‌توان گفت که تحریم‌ها هیچ نقشی در ایجاد چنین بحرانی نداشته‌اند.» (<https://mfa.gov.ir/portal/newsview/577426>) متعاقباً وزیر امور خارجه ایران، دولت آمریکا را به جنایت علیه بشریت متهم نمود و رئیس جمهوری نیز در اظهارات مختلف، این نکته را تکرار کرد. نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد نیز در نشست شورای حقوق بشر به این موضع پرداخت. وزیر امور خارجه همچنین طی نامه‌ای به دبیرکل ملل متحد، موانع ایجادشده توسط آمریکا برای اقتصاد ایران را در هنگامه مبارزه با ویروس کرونا نیز مجدداً «جنایت علیه بشریت» توصیف کرد^۱ اما اقدام حقوقی در این زمینه توسط ایران انجام نشده است.

در همین راستا آلفرد زایاس، کارشناس مستقل ترویج نظم بین‌المللی دموکراتیک و منصفانه در جمهوری بولیواری ونزوئلا و اکوادور، طی گزارش خود به شورای حقوق بشر تأیید نموده بود که تحریم‌های آمریکا علیه ونزوئلا، «کشتار شهروندان» و «جنایت علیه بشریت» در چارچوب ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی است. (A/HRC/39/47/Add.1: para 36) بر همین مبنا دولت

وزوئلا طی نامه‌ای به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی بیان می‌دارد که «به‌عنوان پیامد اجرای اقدامات قهرآمیزی که به صورت یکجانبه حداقل از سال ۲۰۱۴ توسط دولت ایالات متحده علیه وزوئلا تصویب شده است»، جنایت علیه بشریت ارتکاب یافته است. (<https://www.icc-> <https://www.icc-int/itemsDocuments/200212-venezuela-referral.pdf> دادستان دیوان نیز ضمن تأیید دریافت ارجاع‌نامه مزبور، از بررسی آن خبر داد. (<https://www.icc-> <https://www.icc-int/Pages/item.aspx?name=200217-otp-statement-venezuela>)

در خصوص وضعیت ایران، از آنجا که گزارش‌های رسمی گزارشگر ویژه به دو حوزه خاص حق دسترسی به غذا و حق بهداشت و سلامت اشاره نموده است، با جمیع شرایط ممکن است تحریم‌های آمریکا را بتوان مصداق «اعمال غیرانسانی دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی و روحی» یا حتی «ریشه‌کن کردن»^۱ جمعیت غیرنظامی توصیف کرد. چنانچه چنین اقدامی «در چارچوب یک تهاجم گسترده یا سازمان‌یافته و با علم به آن تهاجم» صورت گیرد، مصداق جنایت علیه بشریت در تعریف ماده ۷ اساسنامه رم خواهد بود. مطابق سند «عناصر جرایم»، ضروری نیست تا این اقدامات یک تهاجم نظامی را تشکیل دهد. عبارت «سیاست ارتکاب چنین تهاجمی» مستلزم آن است که دولت یا سازمان، فعالانه چنین تهاجمی علیه جمعیت غیرنظامی را ترویج یا تشویق کرده باشد. (5: ICC, 2011) با عنایت به قطع رابطه جرایم جنگی و جنایات علیه بشریت در رویه بین‌المللی (کسسه، ۱۳۸۷: ۸۹) و بنا بر نظر دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق «مفهوم تهاجم، متفاوت و مستقل از مفهوم مخاصمه مسلحانه است. در عمل، تهاجم می‌تواند فراتر، مسبوق به یا همزمان با مخاصمه مسلحانه باشد بی‌آنکه ضرورتاً بخشی از آن باشد.» (CTY, Prosecutor v. Perišić, "Judgement", IT-04-81-T, 6) (September 2011, para. 82 دادگاه رواندا نیز بر امکان ماهیت غیرخسونت‌بار تهاجم صحه گذاشته است. (ICTR-96-4, ICTR T. Ch., 2, Akayesu, (1998) para. 581. Also) ICTR, Prosecutor v. Musema, "Judgement", ICTR-96-13-T (2000) para.

^۱ (Extermination) تحمیل عمدی شرایط خاصی از زندگی از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه‌ریزی شده است. (پاراگراف ب بند ۲ ماده ۷ اساسنامه) لذا صرف تضییق شرایط زندگی با هدف نابود کردن بخشی از جمعیت برای تحقق این جرم کافی نیست و ضروری است تا کشتار نیز انجام شود. ن.ک: آنتونیو کسسه، حقوق کیفری بین‌المللی، اردشیر امیراجمند و همکاران (تهران: جنگل، ۱۳۸۷) ص ۸۹

205) دیوان کیفری بین‌المللی در قضیه بمبا نیز تصریح نمود «در کنار ارتکاب هر یک از اعمال مندرج در ماده ۷، برای وجود یک تهاجم نیاز به اثبات عنصر دیگری نیست. (ICC,2009:75) البته این بدان معنا نیست که به محض ارتکاب هر یک از اعمال فوق، جنایت علیه بشریت اثبات می‌شود. (Klamberg,2017:32) همچنین برخی، تحریم را «جنگ اقتصادی» توصیف کرده و «حقوق بشردوستانه» را بر آن حاکم می‌دانند. (Milaninia,2015:123) البته چنین رویکردی با تفسیر مضیق مفهوم «توسل به زور» در منشور هماهنگ نیست. (Simma,2013:209) اثبات این مدعا که تحریم‌های اقتصادی با شرایط فوق و چنانچه در راستای پیشبرد سیاست یک دولت یا سازمان انجام شده باشد، می‌تواند مصداق «جنایت علیه بشریت» یا در شرایط دیگری «جنایت جنگی» تلقی شود، از عهده این مقال خارج است و فرصت فراخ‌تری می‌طلبد.

گفتگو درباره نقش مخرب تحریم‌های آمریکا، به منزله نفی تعهدات دولت ایران ولو در شرایط تحریم نیست. علیرغم سکوت دولت ایران در مواضع رسمی خود تا پیش از دور جدید تحریم‌ها و اقامه دعوی در دیوان، دولت کوبا که در موقعیتی نسبتاً مشابه قرار دارد، طی اعلامیه‌ای هنگام امضای میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ح.ا.ا.ف) در سال ۲۰۰۸ بیان داشت «تحریم‌های اقتصادی، تجاری و مالی تحمیلی ایالات متحده و سیاست خصمانه و تجاوزکارانه‌اش علیه کوبا، جدی‌ترین مانع را در بهره‌مندی مردم کوبا از حقوق مندرج در میثاق تشکیل می‌دهد.» https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=I-V-3&chapter=4&clang=_en به‌نظر نمی‌رسد متن اعلامیه مزبور، تاب آن را داشته باشد که به سبب تحریم، از دامنه تعهدات دولت کوبا بکاهد اما این تحریم‌ها ممکن است مانع مسئولیت بین‌المللی دولت در عدم ایفا یا احترام به تعهدات خود محسوب شود. (جاوید و نیاورانی، ۱۳۹۵: ۱۸۳) کمیته ح.ا.ا.ف در تفسیر عمومی شماره ۸ این نکته را خاطر نشان می‌سازد که دولت تحت تحریم باید «تا حد اکثر منابع در اختیار خود» برای تحقق حقوق مزبور بکوشد و «همچنان متعهد است فقدان تبعیض در بهره‌مندی از این حقاها را تضمین نماید و همه اقدامات ممکن از جمله مذاکره با دولت‌های دیگر و جامعه بین‌المللی را اتخاذ نماید تا اثر منفی تحریم‌ها را بر حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر درون جامعه به حداقل برساند.» (ICESCR,1997,10) در همین راستا، دولت ایران مذاکرات متعددی با دولت آمریکا و در چارچوب مذاکره با گروه اتحادیه اروپا/۳+۳ انجام داد که منجر به پذیرش برجام از سوی طرفین شد اما با تغییر دولت در آمریکا، این کشور نه تنها به تعهدات خود به صورت یکجانبه خاتمه داد، بلکه با ایجاد موانع و تهدید سایر طرفهای توافق، مانع بهره‌مندی ایران از مزایای این توافق شد.

تعهدات دولت آمریکا در تحقق و تضمین حقوق بشری ایرانیان

با این فرض که بنا بر گزارش‌های مورد تأیید شورای حقوق بشر ملل متحد و دیگر گزارش‌های نهادهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی حقوق بشر، اقدامات تحریمی ایالات متحده منجر به تضییع حقوق اقتصادی و مدنی بشری اتباع ایران در قلمرو آمریکا و خارج از آن شده است؛ می‌توان گفت حق‌های متعددی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در معرض نقض قرار گرفته است. شورای حقوق بشر بر این نظر است که وضع تحریم‌های یکجانبه بر حق حیات، حق بهداشت و مراقبت‌های پزشکی، حق رهایی از گرسنگی، حق استاندارد مناسب زندگی، غذا، آموزش، کار و مسکن ممکن است تأثیر منفی بگذارد. (A/HRC/RES/27/21) از جمله حق‌های نقض شده به صورت مستقیم می‌توان به این موارد اشاره نمود: محدودیت در رفت و آمد به موجب ممنوعیت ورود اتباع ایران به آمریکا، نقض حق آزادی و سلامت در رفت و آمد به موجب تحریم صنایع هوایی و خودرو، حق دادرسی عادلانه در افزودن اشخاص به فهرست‌های تحریم بدون استماع عادلانه دفاعیات ایشان،^۱ آزادی تجارت بین‌المللی به دلیل ممنوعیت استفاده از سامانه سوئیفت و بعضاً تحریم مستقیم بانکها و تحریم صنایع متعدد نفتی، پتروشیمی و... همچنین نقض‌های غیرمستقیم عبارتند از: حق دسترسی به غذا، دارو، بهداشت و سلامت به موجب محدودیت بر نقل و انتقالات پولی و بانکی ایران به ویژه با استفاده از ارز ایالات متحده آمریکا، حق داشتن شغل، رهایی از فقر و تأمین اجتماعی با کاهش قدرت مالی دولت ایران به واسطه تحریم صنایع و محدودسازی حق آزادی تجارت بین‌المللی به سبب تحریم معاملات با دلار، محدودسازی دسترسی دولت ایران به طلا و فلزات گرانبها، و نیز تحریم اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در زمینه تجارت از جمله صنایع متعدد ایرانی و نهایتاً تلاش برای تغییر رفتار دولت ایران که ممکن است به نقض حق تعیین سرنوشت تعبیر شود.

گستره وسیع حقوق نقض شده یا در معرض خطر به سبب تحریم‌های مزبور (موسوی، جوکار و محمدی، ۱۳۹۳: ۱۷۰) این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا اساساً دولت ایالات متحده در برابر اتباع ایران، تعهدی به احترام به حقوق بشر دارد یا خیر و این نوع تعهدات از کدام نوع است؟ در نظام بین-

^۱ فرض مزبور به معنای قانونی شمردن اساس تحریم اشخاص نیست، بلکه منظور این است که همانگونه که کمیسیون حقوق بین‌الملل تشریح می‌کند حتی در اجرای قوانین داخلی تحریمی - ولو اصولاً قانونی باشند - نیز باید فرایند دادرسی عادلانه مراعات شود. ن.ک:

المللی حقوق بشر و به ویژه ح.ا.اف تعهدات دولتها به احترام، حمایت و ایفا تفکیک می‌شوند. به طور خلاصه، تعهد به احترام مستلزم پرهیز از اقداماتی است که موجب محرومیت افراد از حقوق می‌شود. تعهد به حمایت، در برابر تجاوز طرفهای ثالث مطرح می‌شود و تعهد به ایفا مستلزم اقداماتی است که دولت‌ها باید برای تحقق حق‌ها انجام دهند. (کریون، ۱۳۸۷: ۱۵۲) در مبحث حاضر چنانکه اشاره خواهد شد، عمدتاً بحث برسر تعهد به احترام و به‌ویژه عدم ممانعت از ایفا و تضمین مستقیم حق‌ها توسط دولت ایران و همچنین تعهد به احترام و ایفا در خصوص تعهد به همکاری بین‌المللی است.

اول - التزام ایالات متحده به حقوق بین‌الملل بشر

در مورد نقض حق تعیین سرنوشت از طریق وضع و اجرای تحریم‌ها نظر به ویژگی امره این قاعده در حقوق بین‌الملل (A/HRC/30/12/Add.1 - Para. 23) تردیدی در الزام ایالات متحده به اصل مزبور وجود ندارد. در خصوص حق‌های مدنی نظیر دادرسی عادلانه و آزادی رفت‌وآمد عضویت آمریکا در میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ح.م.س)، استدلال‌ها را تسهیل می‌کند اما در ارتباط با حقوق اقتصادی به سبب عدم عضویت آمریکا در میثاق ح.ا.اف باید بنیان تعهد این دولت به حقوق شناسایی شده در میثاق را ورای عضویت در میثاق مستدل ساخت. کمیته ح.ا.اف در فرصت‌های متعدد تصریح نموده است که تعهد هر دولت در ارتباط با میثاق «از التزام به ارتقای احترام به همه حقوق بشر در منشور ملل متحد» ناشی می‌شود. (ICESCR, 1997: 8) بنابراین «تعهد به احترام به حقوق بشر»، ناشی از عضویت دولت‌ها در میثاق نیست؛ بلکه ناشی از غیرقابل تفکیک بودن و به هم پیوستگی حقوق بشر است (ICESCR, 1990: 6) که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، همچون ضمیمه‌ای است که در منشور ملل متحد ادغام شده (مقامی، ۱۳۹۴: ۷۳) زیرا اعلامیه عملاً هنجارهای حقوق بشر را - که در منشور فقط اشاره‌ای کلی به آن شده بود - تجسم بخشیده است. (Erika de Wet, 2011: 58) علاوه بر این، آمریکا در سال ۱۹۷۷ میثاق را «امضا» کرده است و بدین ترتیب به تعهدات ناشی از امضای معاهده در چارچوب ماده ۱۸ کنوانسیون ۱۹۶۹ که اکنون بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی تلقی می‌شود (Dörr, Kirsten, 2011: 221) ملزم است. بنابراین آمریکا متعهد است پیش از تصویب، اقدامی در جهت بی‌اعتبار ساختن تعهدات امضا شده به عمل نیاورد. (فلسفی، ۱۳۹۱: ۲۱۰) همچنین با در نظر گرفتن اعمال یکجانبه به‌عنوان یکی از منابع تعهدات بین‌المللی دولت‌ها باید به این نکته اشاره کرد که ایالات متحده که در دهه ۳۰ و ۴۰ میلادی، حقوق اقتصادی را به عنوان حقوق واقعی بشر، انکار می‌نمود طی دو دهه اخیر علاوه بر اجرای ملی حقوق اقتصادی، در

همان نخستین گزارش خود به شورای حقوق بشر مسائل مرتبط به حقوق اقتصادی و اجتماعی را مورد توجه قرار داد. (US UPR Report, 2010: para 67-76) لذا اکنون تردیدی در شناسایی این حقها از سوی آمریکا و الزام این دولت به رعایت تعهدات ناشی از آن نیست؛ (MacNaughton, McGill, 2012:406) گرچه ممکن است به سبب عدم تصویب میثاق، اجرای برخی مکانیزمها که در بخش آتی مورد توجه قرار می‌گیرند، ناممکن باشد. برخی از استدلال‌های فوق در ارتباط با تعهد آمریکا نسبت به بند ۴ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک در ارتباط با همکاری بین‌المللی به منظور تحقق کامل حقوق شناسایی شده در این کنوانسیون نیز قابل استناد است. (CRC, art. 24, 2013: para 10)

مطابق تفسیر عمومی شماره ۸ کمیته ح.ا.اف طرف مسئول وضع تحریم اولاً باید در طراحی تحریم به حقها توجه نماید، ثانیاً ملزم است در دوران اجرای تحریم، نظارت مؤثری انجام دهد تا از حقوق اقتصادی جمعیت متأثر (در اینجا مردم ایران) حمایت کند. ثالثاً باید اقدامات انفرادی و از طریق همکاری و مساعدت اقتصادی و فنی بین‌المللی به کار بندد تا به رنج نامتناسب گروه‌های آسیب‌پذیر واکنش نشان دهد. (ICESCR, Ibid (1997) para 12-14) کمیته به ویژه به کاستن از آلام کودکان اشاره و آن را به همه گروه‌های آسیب‌پذیر (مثل بیماران و معلولان) تعمیم می‌دهد. علاوه بر این کمیته حقوق کودک نیز بیان می‌دارد «دولتها باید هنگام طراحی و اجرای تحریم‌های اقتصادی، تأثیر بالقوه آنها را بر حقوق کودکان مورد توجه قرار دهند.» (CRC, art. 4, 2016: para 39) به نظر کمیته ح.ا.اف حتی در مورد قطعنامه‌های شورای امنیت نیز معافیت‌های بشردوستانه به منظور پرهیز از ایراد رنج‌های جانبی به گروه‌های آسیب‌پذیر ضروری است، گرچه این معافیت‌ها نیز ممکن است اثربخش نباشد یا به بعضی حقها نپردازد. بنابراین لازم است پیش از وضع، اثر احتمالی تحریم‌ها ارزیابی شود. تحریم‌های ناقض حقوق بشر ممکن است مغایر منشور و غیرلازم-الاجرا تلقی شوند. (زمانی، زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲: ۵۲) در هر صورت به نظر کمیته، معافیت‌های بشردوستانه نیز حالتی مبهم دارد و تأخیر و رد درخواست واردات کالاهای ضروری موجب کمبود منابع می‌شود در نتیجه آثار تحریم بیشتر بر دوش فقرا سنگینی می‌کند. (ICESCR, Ibid 1997) این تجربه هم در تحقق استثنائات تحریم ایران تکرار شد؛ به ویژه آن که استثنائات مزبور یا دسترسی دولت ایران به کمک‌های مالی را منع کرده و یا برای هر فرایند معاملاتی، نیازمند مجوز جداگانه

است.^۱ بنابراین عملاً تأثیر معافیت‌ها در حجم گسترده محرومیت‌ها، معنادار نیست.

دوم - وضعیت ایرانیان مقیم ایران

فرض نخست وضعیت اتباع ایرانی مقیم ایران است که ظاهراً بیشترین تأثیر را از تحریم‌های آمریکا می‌پذیرند. آیا نقض حقوق بشر توسط دولت آمریکا نسبت به این دسته قابل تصور است و در واقع دولت آمریکا چه تعهدی نسبت به حقوق بشر مردم ایران دارد؟ پاسخ این پرسش را باید ورای کلیات راجع به جنبه عام‌الشمول تعهدات حقوق بشری لحاظ نمود. بسته به نوع حقوق مورد نظر، پاسخ را باید در هر یک از میثاقین جستجو نمود. البته پیداست که اغلب حق‌های در معرض خطر، از نوع حقوق اقتصادی و موضوع میثاق بین‌المللی ح.ا.اف هستند. این دسته از حق‌ها به موجب میثاق اصولاً جنبه درون مرزی دارند، (Coomans, 2011: 5) لیکن برخلاف ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که به تعهد دولتها «درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع صلاحیتشان» تصریح نموده، میثاق ح.ا.اف فاقد چنین تصریحی است. از این رو، کمیته ح.ا.اف در رویه خود بدون آن که به طور سیستماتیک و مفهومی، تعهدات فراسرزمینی دولتها در اجرای میثاق ح.ا.اف را تبیین نماید، جلوه‌هایی از تعهدات فراسرزمینی را مورد شناسایی قرار داده است. (Ibid, p 4)

کمیته در تفسیر عمومی شماره ۱۹ تصریح نمود که دولتهای عضو «باید با جلوگیری از نقض حق بر تأمین اجتماعی توسط شهروندان یا نهادهای دولتی خود، از نقض این حق در دیگر کشورها پیشگیری نمایند.» (ICESCR, 2002: 54) برابر بند ۵۳ سند مزبور «دولتهای عضو برای ایفای تعهدات بین‌المللی خود در رابطه با حق تأمین اجتماعی باید با خودداری از اقداماتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مداخله در بهره‌مندی از این حق در دیگر کشورها می‌انجامد، به بهره‌مندی از این حق احترام بگذارند.» «مشابه همین رویکرد در تفسیر شماره ۱۵ درخصوص حق بر آب نیز مشاهده می‌شود. (ICESCR, 2002: 33) همچنین دولتها باید تحقق حق تأمین اجتماعی را در دیگر کشورها تسهیل نمایند. (ICESCR, 2008: 55)

منبع اصلی این نگرش فراسرزمینی را باید در مفهوم «همکاری بین‌المللی» جست که در ماده ۲ میثاق ذکر آن رفته است. (Coomans, 2011: p 7) ماده ۲۳ میثاق نیز مشتمل بر تعهداتی در زمینه همکاری بین‌المللی از جمله با ارائه کمک‌های فنی «به منظور تحقق حقوق شناسایی شده در میثاق» است.

^۱ OFAC, Clarifying Guidance Humanitarian Assistance and Related Exports to the Iranian People (2013).

کمیته در تفسیر عمومی شماره ۳ تصریح نمود که «همکاری بین‌المللی برای توسعه و در نتیجه تحقق حقوق ا.ا.ف تعهدی بر دوش همه دولتهاست. این تعهد به ویژه بر دوش آن دسته از دولتهاست که در وضعیت مساعدت به دیگران در این خصوص قرار دارند.» (ICESCR, 1990: 4) کمیته مبنای این نوع تعهدات را فراتر از میثاق و در مواد ۵۵ و ۵۶ منشور ملل متحد معرفی می‌کند. همچنین کمیته در ارتباط با فعالیت‌های تجاری تصریح می‌کند که هر دولتی باید تضمین نماید که مانع اجرای تعهدات دولتهای دیگر به موجب میثاق نخواهد شد. (ICESCR, 2017) تعهدات فراسرزمینی به «تعهد به اجرا» در چارچوب فوق (جاوید و نیورانی، ۱۳۹۵: ۱۸۶) محدود نمی‌شود. «تعهد فراسرزمینی به احترام» نیز مستلزم آن است که دولتها از هرگونه اقدامی که مستقیماً یا غیرمستقیم مانع بهره‌مندی اشخاص خارج از سرزمینشان از ح.ا.ا.ف نشوند. (ICESCR, 2017: 29)

در سال ۲۰۱۱ کارشناسان حقوق بین‌الملل و حقوق بشر با همراهی کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان نسبت به تدوین «اصول ماستریخت راجع به تعهدات فراسرزمینی در زمینه ح.ا.ا.ف» اقدام نمودند. (https://www.ciel.org/wp-content/uploads/2015/05/Maastricht_ETO_Principles_21Oct11.pdf) بند ۸ این سند «تأثیرگذاری بر بهره‌مندی از حقوق بشر و رای سرزمین یک کشور»، همچنین تعهدات دارای ویژگی جهانی از جمله از طریق همکاری بین‌المللی را تعهدات فراسرزمینی دولتها توصیف نموده‌است. مطابق بند ۲۲ این اصول، دولتها باید از وضع اقداماتی نظیر تحریم که منجر به بی‌اثر شدن یا مضر به بهره‌مندی از ح.ا.ا.ف باشد خودداری نمایند. بنابراین دولتها باید در طراحی، اجرا و خاتمه-دادن به هرگونه تحریم، تضمین نمایند که تعهدات حقوق بشری به‌طور کامل مورد احترام قرار می-گیرند. دبیرکل ملل متحد نیز به دنبال قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی از سال ۱۹۸۳ تاکنون، (A/Res/71/193. A/Res/70/151. A/Res/69/180. Etc. see also: A/Res/38/197) چند گزارش در خصوص تحریم‌های اقتصادی و حقوق بشر به مجمع ارائه نمود. دبیرکل در این گزارشها بر وجود تعهدات فراسرزمینی ضمنی به‌منظور تحقق حقوق بشر در هنگام اعمال اقدامات اقتصادی یکجانبه صحه گذاشته است. (A/70/345. Para 14.)

بنابراین تعهد دولت آمریکا در ارتباط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان مقیم در قلمرو ایران را به ویژه بادر نظر گرفتن وضع تحریم‌ها (تفسیر عمومی شماره ۸) می‌توان بدین شکل صورت بندی نمود: اولاً دولت آمریکا در وضعیت کنترل مؤثر بر بخشی از سرزمین ایران (مدنی، ۱۳۸۷: ۲۵۷) نیست که بر مبنای آن تعهد فراسرزمینی به ایفا، نسبت به اتباع ایرانی مقیم ایران داشته-

باشد؛ ثانیاً دولت آمریکا دارای تعهدی عمومی مبنی بر همکاری بین‌المللی با دولت ایران برای تسهیل تحقق حقوق مزبور است، ثالثاً دولت آمریکا متعهد به عدم ممانعت در برخورداری اتباع ایران از حقوق مورد اشاره است، رابعاً در مورد خاصی نظیر حق تأمین اجتماعی یا حق بر آب تعهدات مستقیمی نیز ممکن است برعهده دولت آمریکا باشد. خامساً در وضع تحریم‌ها دولت آمریکا باید به اثرات آن بر حقوق اقتصادی مندرج در میثاق توجه داشته‌باشد. بر این اساس دولت آمریکا تعهدات خود را در قبال ایرانیان مقیم یا تحت صلاحیت ایران در چارچوب حقوق بین‌الملل عرفی و با عنایت به ماده ۱۸ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، نقض نموده است.

درخصوص تعهدات احتمالی مرتبط با حقوق مدنی و سیاسی، به ویژه دادرسی عادلانه (موضوع مواد ۹، ۱۰ و ۱۴ میثاق ح.م.س) و حقوق بشر بیگانگان (موضوع ماده ۱۳ میثاق ح.م.س) همین استدلال‌ها با رویکرد مشابهی قابل طرح است. کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۱ خود بر این نکته صحنه می‌گذارد که «هر دولت عضو، منفعتی حقوقی در اجرای تعهدات دولتهای دیگر دارد.» (CCPR, 2004: para 2) لذا فرضیه عام‌الشمول بودن تعهدات مندرج در میثاق را تأیید می‌نماید. کمیته به عنوان یک اصل بیان می‌کند که «یک تعهد کلی مبنی بر احترام به حقوق مندرج در میثاق و تضمین آن برای همه اشخاص در سرزمین و قلمرو صلاحیتشان تحمیل می‌شود.» (CCPR, 2004: para 10)

سوم - وضعیت ایرانیان مقیم آمریکا

حالت دوم وضعیت اتباع ایرانی در آمریکا است. در این خصوص نیز به عنوان یک اصل و در چارچوب تعهدات ایجابی به موجب بند ۳ ماده ۲ میثاق ح.ا.ا.ف در مورد کشورهای در حال توسعه، بهره‌مندی اتباع بیگانه از حقوق اقتصادی مذکور در میثاق منوط به وضعیت اقتصادی این کشورهاست. لیکن میثاق، تعهدات دولتهای توسعه‌یافته (Saul, Kinley and Mowbray, 2014: 21) نظیر آمریکا را از این جهت محدود نکرده، بلکه همانگونه که اشاره شد تفسیر عمومی شماره ۳۱ این تعهدات را نسبت به همه اشخاص مقیم در سرزمین یا تابع قلمرو صلاحیت دولتهای مجری دانسته است. برابر بند ۱۰ سند مزبور، این حقوق فقط به اتباع و شهروندان دولتهای عضو تعلق نمی‌گیرد بلکه باید برای همه افراد فارغ از تابعیت یا ملیتشان در دسترس باشد، از جمله برای پناهنجویان، پناهندگان، کارگران مهاجر و دیگر اشخاصی که ممکن است در قلمرو صلاحیت یا سرزمین دولت عضو یافت شوند. کمیته همچنین در موارد خاصی نظیر حق بر آب، (ICESCR, 2002: 16) حق بر تأمین اجتماعی (ICESCR, 2008:31) و حق بر شغل (ICESCR, 2005: 16)

30) جداگانه نیز بر حق تمتع بیگانگان از این حقوق تصریح نموده است.

تعهدات آمریکا در این زمینه به دلیل سرزمینی بودن، اعم از تعهد به احترام، ایفا و حمایت است. بنابراین، تأثیر منفی تحریم‌های آمریکا بر دانشجویان، کارگران مهاجر و پناهنجویان ایرانی و به طور کلی هر ایرانی که در سرزمین ایالات متحده یا در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل این کشور اقامت دارد؛ نقض تعهدات دولت آمریکا در خصوص احترام، ایفا و تضمین حقوق اقتصادی مندرج در میثاق می‌باشد. علاوه بر این، اجرای تحریم‌های مزبور گهگاه منجر به توقیف، بازداشت یا مجازات فعالان اقتصادی شده که به نحوی در نقض یا دور زدن تحریم‌ها با دولت ایران یا دولتهای ثالث همکاری داشته‌اند. لذا با نامشروع بودن تحریم از منظر حقوق بشر، باید گفت اعمال مجازات نسبت به این اشخاص نیز فاقد مشروعیت خواهد بود.

چهارم - وضعیت ایرانیان مقیم کشورهای ثالث

سومین فرض، وضعیت اتباع ایرانی در خارج از ایالات متحده و ایران است. با جمع دو حالت پیش‌گفته باید گفت تعهدات دولت آمریکا نسبت به آنها، به عنوان اتباع بیگانه در سرزمین دیگر دولتهای عضو برابر بند نخست استدلال‌های فوق ثابت است. علاوه بر این، دولت‌های محل اقامت ضمن تعهد ناشی از اعمال صلاحیت خود براساس بند دوم فوق، بایسته است همکاری آمریکا را نیز برای تحقق حق‌های اقتصادی ذیربط به‌کار بندند. بنابراین محدودیت یا عدم تحقق حقوق مزبور نسبت به این اشخاص، از جمله به واسطه محدودیت‌های پولی و بانکی که قابل انتساب به دولت آمریکا باشد، موجب مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا خواهد بود. نکته حائز اهمیت در آن است که به سبب غیرقانونی بودن چنین تحریم‌هایی و از آنجا که دولت‌های ثالث (از جمله اغلب کشورهای اروپایی یا کانادا که مقصد مهاجران و دانشجویان ایرانی هستند)، تعهد حقوقی بین‌المللی نسبت به احترام به تحریم‌های ثانویه ایالات متحده ندارند؛ می‌توان تزییقات مزبور (اعم از عدم احترام، عدم ایفا یا عدم تضمین حقوق اقتصادی) را مستقیماً مستند به عمل دولت‌های اخیر دانست که در درجه نخست موجب مسئولیت بین‌المللی این دولت‌ها خواهد بود. در توجیه این استدلال می‌توان آستانه بالاتری را نیز ارائه کرد و آن این که دیوان دادگستری اروپا در قضیه کادی، اجرای تصمیمات شورای امنیت را منوط به رعایت حقوق بشر دانست. (محبی، آذری، ۱۳۹۵: ۶۰) برخی معتقدند حتی چنانچه تصمیم شورای امنیت مغایر حقوق بین‌الملل باشد، لازم‌التابع نیست. (مقامی، ۱۳۹۴: ۲۶۶ و De Wet, 2001: 280) براین مبنای، اجرای تصمیمات غیرقانونی دولت ثالث که منجر به نقض حقوق اتباع ایران شود، مسئولیت

دولت مرتکب را به همراه خواهد داشت و آن دولت نمی‌تواند تحریم‌های آمریکا را مستند توجیه خود قرار دهد. سازوکار مالی موسوم به اینستکس^۱، تلاش ناکافی این کشورها برای بهره‌مند شدن ایران از مزایای برجام در عین پابندی به تحریم‌های ثانویه آمریکا بود که این تجربه نیز در عمل به شکست انجامید. ([https://www.euractiv.com/section/global-europe/news/instex-fails-\(to-support-eu-iran-trade-as-nuclear-accord-falters](https://www.euractiv.com/section/global-europe/news/instex-fails-(to-support-eu-iran-trade-as-nuclear-accord-falters))

(to-support-eu-iran-trade-as-nuclear-accord-falters)

نکته حائز اهمیت در این میان، امکان توسل به مکانیزم‌هایی است که به سبب عدم عضویت آمریکا در برخی معاهدات، نسبت به آن دولت غیرقابل استناد اما نسبت به دولت‌های ثالث که عضو معاهدات مربوط هستند قابل استناد است.

صلاحیت شورای حقوق بشر در مواجهه با تحریم‌های یکجانبه

صلاحیت شورای حقوق بشر به ارزیابی عملکرد دولت‌ها درون سرزمینشان محدود نمی‌شود. برابر بند ۲ قطعنامه مؤسس، (A/Res/60/251) شورا مسئولیت ترویج احترام جهانی به حمایت از حقوق بشر را دارد. شورا مطابق بند ۵ قطعنامه، عهده‌دار گزارش ادواری جهانی است تا بر «اجرای تعهدات و تکالیف حقوق بشری هر دولت» نظارت نماید. بنابراین اثبات تعهدات آمریکا و دیگر دولت‌ها در مبحث پیشین، مؤید صلاحیت موضوعی شورا نیز خواهد بود.

مهمترین سازوکار شورای حقوق بشر، «گزارش ادواری جهانی» است. آمریکا تاکنون دوبار در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۵ موضوع ارزیابی شورا بوده است. در هر دو نشست، موضوع تحریم‌های یکجانبه آمریکا یکی از مسائل مطرح شده اما کمرنگ در جریان ارزیابی گزارش آمریکا بوده است. ضمن ارزیابی دومین دور از گزارش آمریکا، خاتمه‌بخشیدن به همه تحریم‌ها و اقدامات قهری یکجانبه در تمام مناطق جهان که موجب نقض حاکمیت، تعیین سرنوشت مردم و اعمال حقوق بشر می‌شود؛ به پیشنهاد نیکاراگوئه مطرح شد. (A/HRC/30/12, para 171:101) اما در همان دوره (۲۰۱۵) آنچه از طرف ایران ثبت شده است، ابراز نگرانی نسبت به تعریف تبعیض نژادی است. در گزارش پیشین نیز به پیشنهاد کره شمالی «ترک بی‌قید و شرط اقدامات تحریمی اقتصادی که به صورت یکجانبه و قهرآمیز بر دیگر کشورها تحمیل شده، چون این اقدامات آثار سنگین و منفی بر حقوق بشر

^۱ The Instrument in Support of Trade Exchanges

A/HRC/16/11, Report of the Working Group on the Universal Periodic Review, United States of America (2011) (para 92:78) سودان نیز «خاتمه‌دادن به تحریم‌های مالی و تجاری اقتصادی علیه کوبا و سودان» را پیشنهاد داد. (Ibid, para 92:77) جمهوری اسلامی ایران نیز پیشنهاد «لغو قوانین فراقضایی و فراسرزمینی و خودداری از اعمال اقدامات یکجانبه نسبت به دیگر کشورها» را به تصویب رساند. (Ibid, para 92:57)

همه پیشنهادهای فوق و پیشنهادهای مشابه دیگری که در ارزیابی گزارش‌های سوئیس، نروژ و دیگر کشورها نیز طرح شده مورد ملاحظه شورا قرار گرفته، اما از سوی شورا حمایت نشدند. برقراری دیپلماسی فعال‌تر و همسوکردن سایر کشورهای ذینفع و تمرکز بیشتر ایران بر مسأله تحریم‌ها می‌تواند ایالات متحده را به واکنش فعالانه‌تر در برابر توصیه‌های شورا وادار سازد. لیکن تاکنون تمرکز ایران در ارزیابی وضعیت آمریکا بر موضوعات دیگری قرار داشته است. نکته حائز اهمیت دیگر، نقش دیگر کشورها در احترام به تحریم‌های ثانویه آمریکا و در نتیجه ممانعت یا مزاحمت در بهره‌مندی از ح.ا.ف ایرانیان است. لذا نه تنها دولت‌های دیگر که از چنین تحریم‌هایی متأثر می‌شوند و نسبت به آن نگران هستند، (Great Britain, 2007, 27) ممکن است از سوی دولت ایران برای توصیه در شورای حقوق بشر هماهنگ شوند؛ بلکه می‌توان توصیه‌هایی نیز در زمینه تعهد آن دولت‌ها به احترام به حقوق اقتصادی از طریق عدم پذیرش و اجرای تحریم‌های فراسرزمینی آمریکا اشاره نمود. برای مثال اتحادیه اروپا می‌تواند با پایبندی به اجرای مقررات مسدودکننده^۱ خود، آثار تحریم‌های آمریکا را کاهش دهد. مقررات مزبور در ۱۹۹۶ و در واکنش به قوانین تحریمی آمریکا علیه لیبی، کوبا و ایران وضع شد؛ که در سال ۲۰۱۰ و به منظور همراهی با تحریم‌های هسته‌ای، به کوبا محدود گشت. مطابق این مقررات شرکتهای اروپایی موظفند تحریم‌های آمریکا را نادیده بگیرند و چنانچه بر اثر این تحریم‌ها مشمول تحریم یا متضرر شوند، می‌توانند خسارات خود را در اروپا و از اموال آمریکا یا شرکتهای آمریکایی که موجب ضرر شده‌اند استیفا کنند. (EU, 1996: Art6) در سوابق گزارش ادواری، تاکنون هیچ اشاره‌ای به این مقررات و ارتباط آن با ایفای تعهدات کشورهای اروپایی نشده و هیچ کشور ثالثی تاکنون مخاطب توصیه‌های مرتبط با نادیده گرفتن تحریم‌های ثانویه نبوده و عملاً این ظرفیت تاکنون مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. بدیهی است حتی حمایت شورا از

^۱ Blocking Regulations

توصیه‌ها نیز ممکن است با عدم پذیرش یا عدم رعایت دولت ذیربط مواجه شود، اما فشار سیاسی را برای تحقق حقوق بشر افزایش خواهد داد.

سازوکار دیگری که شورای حقوق بشر از آن بهره می‌برد، تعیین گزارشگران موضوعی در چارچوب «آیین‌های اختصاصی»^۱ است. سادات اخوی، خدائناس، ۱۳۹۴، ۶۹۹) تاکنون ۴۴ گزارشگر برای موضوعات گوناگون از سوی شورا منصوب شده‌اند؛ که این جدا از ۱۲ گزارشگر مربوط به وضعیت کشورها است. گزارشگر ویژه «آثار منفی اقدامات قهری یکجانبه بر بهره‌مندی از حقوق بشر» در سال ۲۰۱۴ به موجب قطعنامه ۲۷/۲۱ شورا منصوب گردید. (A/HRC/RES/27/21) پیش از آن، کمیسیون حقوق بشر نیز از ۱۹۹۴ به بعد به این موضوع پرداخته بود. (E/CN.4/RES/1994/47) گزارشگر ویژه تاکنون گزارش‌های متعددی به شورا و مجمع عمومی ارائه کرده‌است. ویژه این تحریم‌ها به تبعیض علیه مردمان بی‌گناه منجر شده و از کمیسیون حقوق بین‌الملل خواسته است مسئولیت دولت تحریم‌کننده را نسبت به دولتهای ثالث نیز در چارچوب موضوع «صلاحیت فراسرزمینی» دنبال نماید. (UN/GA/Res. 73/175: para 53) همچنین به مجمع عمومی پیشنهاد می‌دهد اصول مربوط به وضع تحریم‌ها را مدنظر قرار دهد و برای این منظور از جمله به ضرورت ارزیابی آثار رژیم تحریم و دادرسی عادلانه توجه نماید. (Ibid: para 56) همچنین پیشنهاد می‌دهد قانونی بودن تحریم‌ها و اقدامات قهری اقتصادی یکجانبه موضوع تقاضای نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری قرار گیرد. (Ibid: para 2) همانگونه که مشاهده می‌شود فرایند گزارش‌دهی به تقویت جنبه‌های حقوقی بین‌المللی مقابله با تحریم‌های یکجانبه کمک می‌کند و تلاش دولت ایران برای تقاضای نظر مشورتی از دیوان می‌تواند به ابضاح بیشتر تعهدات دولت تحریم‌کننده و دولتهای ثالث و مسئولیت بین‌المللی آنها مساعدت نماید.

گزارشگر ویژه در سال ۲۰۱۸ طی گزارش نسبتاً مبسوطی ابعاد مختلف تحریم ایران را مورد توجه قرار داد. وی تحریم‌های جامع را مصداق «جنگ اقتصادی» توصیف کرد که به‌عنوان «محاصره»، مشمول قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز می‌باشد و بدین ترتیب برخی از قواعد بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را نقض می‌کند. (A/HRC/39/54: para 25) بنابراین

^۱ Special Procedures

به‌طور تلویحی فرضیه تحقق جنایت جنگی نیز مطرح می‌شود. تقویت ادبیات حقوق بین‌الملل و زمینه‌سازی برای تصویب قطعنامه‌های مجمع عمومی از مهمترین نتایج این گونه گزارش‌هاست و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تعامل بیشتری برای این منظور داشته باشد.

قطعنامه مؤسس به شورا اجازه داد آیین رسیدگی به شکایات فردی کمیسیون سابق را نیز استمرار بخشد. (A/Res/60/251: para 6) شورا با تصویب قطعنامه ۵/۱ در سال ۲۰۰۷ آیین رسیدگی جدیدی را به تصویب رساند. آیین مزبور به‌عنوان یک تشریفات فراقراردادی (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۷: ۱۳۲) است؛ لذا نظیر مکانیسم مقرر در قطعنامه ۱۵۰۳ شورای ا.اف.ملل متحد،^۱ وابسته به عضویت دولتها در معاهدات نیست. این آیین، اجازه می‌دهد هرگونه «نقض حقوق بشر در هر جای جهان و تحت هر شرایطی» مورد رسیدگی قرارگیرد. برابر قطعنامه قیودی برای پذیرش مکاتبات (شکایات) لحاظ شده است که بعضاً مشابه دیگر نهادهای رسیدگی به نقض حقوق بشر است، از جمله این که شکایت نباید آشکارا جنبه سیاسی داشته باشد و موضوع آن منطبق با اعلامیه جهانی و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر باشد؛ حاوی توصیف وقایع و حق‌های نقض شده باشد؛ بی‌ادبانه نباشد؛ توسط شخص یا گروهی از اشخاص که قربانی نقض هستند ارائه شود (مگر در موارد خاصی که مکاتبه توسط سمن‌ها انجام می‌شود)؛ منحصرأ مبتنی بر اطلاعات رسانه‌ها نباشد؛ قبلاً در این آیین یا دیگر نهادهای معاهده‌ای یا حتی منطقه‌ای رسیدگی نشده باشد؛ روندهای داخلی طی نشده باشد مگر آنکه این روندها بی‌اثر یا بیش از اندازه طولانی باشند. برای رسیدگی به این مکاتبات دو کارگروه پیش‌بینی شده که یکی به مکاتبات رسیدگی می‌کند و دیگری به وضعیت‌ها. کارگروه مکاتبات، ضمن ارزیابی قابلیت رسیدگی و ماهیت، تشخیص خواهد داد که آیا با الگوی مداوم نقض‌های شدید حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که به‌طرز قابل اعتمادی تأیید شده باشد، مواجه است یا خیر. در این صورت، وضعیت مزبور را به همراه توصیه‌هایی به کارگروه وضعیت‌ها ارجاع می‌دهد. کارگروه اخیر بر مبنای اطلاعات و توصیه‌های کارگروه نخست، گزارشی را بر مبنای الگوی مداوم نقض‌های شدید به شورا ارائه و توصیه‌هایی می‌نماید که ممکن است در قالب پیش‌نویس تصمیم یا قطعنامه شورا تنظیم شود. (A/HRC/Res 5/1: para 89-99) شورا نیز ممکن است نسبت به یکی از موارد زیر اتخاذ تصمیم نماید:

^۱ Economic and Social Council, Resolution 1503.

عدم ادامه توجه به وضعیت وقتی توجه یا اقدام بیشتر ضروری نیست، ادامه تحت نظر داشتن وضعیت و تقاضای اطلاعات بیشتر از دولت ذریبط در یک دوره زمانی معقول؛ ادامه تحت نظر داشتن وضعیت و انتصاب یک کارشناس مستقل و برجسته برای نظارت بر وضعیت و گزارش‌دهی به شورا؛ ادامه ندادن بررسی وضعیت با محرمانه ماندن آیین شکایت به منظور عمومی ساختن آن؛ توصیه به کمیساریای عالی حقوق بشر برای همکاری فنی، کمک به ظرفیت‌سازی یا خدمات مشورتی به دولت ذریبط. (A/HRC/Res 5/1: para 109) چنانکه مشاهده می‌شود این آیین و فرایند نیز نظیر دیگر آیین‌های نظارتی بین‌المللی حقوق بشر، جنبه تعاملی و توصیه‌ای دارد. حتی تصمیمات شورا نیز به عنوان رکن فرعی مجمع عمومی، (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۷: ۱۲۴) اعتباری فراتر از تصمیمات مجمع نخواهد داشت. با وجود این، نمی‌توان آثار بلندمدت این گونه تصمیمات را بر رفتار دولت‌ها - به ویژه در بلندمدت - نادیده گرفت. در واقع با وجود فقدان سابقه طولانی، انتظار می‌رود تصمیمات و توصیه‌های شورا چنین تأثیری داشته باشد. همانگونه که مشخص است، مقدمه چنین تصمیماتی، ارائه شکایات مشخص و عینی از سوی قربانیان تحریم‌های ایالات متحده است که می‌تواند با حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی و خارجی فرایند مزبور را آغاز نماید. در ظاهر حتی ممکن است لازم باشد، دولت ایران نیز به سبب مسئولیت مستقیم در تضمین حقوق بشر، مخاطب شکایت قرار گیرد. دولت‌های ثالث نیز که بتوان مصادیق خاص نقض حقوق بشر را به عمل آنان مستند نمود، می‌توانند موضوع چنین شکایاتی باشند. در این خصوص لازم است تفکیک میان اعمال دولت و اعمال بازیگران غیردولتی (نظیر شرکتهای تجاری) و موازین عمومی مسئولیت بین‌المللی دولت مورد توجه قرار گیرد.

صلاحیت دیگر نهادهای بین‌المللی حقوق بشر در مواجهه با تحریم‌های یکجانبه

در میان مهمترین نهادهای بین‌المللی حقوق بشر، کمیته حقوق بشر از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. پروتکل اول میثاق حقوق مدنی و سیاسی، به کمیته اجازه می‌دهد شکایات علیه دولت‌های عضو پروتکل را بررسی کند. اما آمریکا که میثاق را در سال ۱۹۹۲ تصویب نموده، عضو پروتکل‌ها نیست. لذا از آنجا که نقض حق‌هایی چون دادرسی عادلانه در وضع تحریم‌ها علیه اشخاص معین، مستند به میثاق مزبور است؛ امکان مکاتبه و شکایت به‌موجب پروتکل وجود ندارد اما در چارچوب ماده ۴۰ میثاق کمیته می‌تواند نسبت به ارزیابی گزارش آمریکا اقدام نماید. اما فعال نمودن مکانیزم اختلافات بین‌الدولی در چارچوب ماده ۴۱ به دلیل عدم صدور اطلاعیه پذیرش

صلاحیت کمیته از سوی ایران، میسر نیست. مکانیزم‌های گزارش‌دهی اصولاً به منظور نظارت بر اجرای تعهدات درون کشورها پدید آمده‌اند. (Coomans, 2011: p 4) بنابراین برای کمیته مشکل است که در توصیه‌های خود به این جنبه از تعهدات بپردازد.

درخصوص کمیته ح.ا.اف نیز باتوجه به عدم عضویت آمریکا در میثاق و عدم عضویت ایران و آمریکا در پروتکل میثاق،^۱ امکان استناد به مکانیزم‌های مندرج در میثاق ح.ا.اف و پروتکل میسر نیست. پروتکل اخیر نیز علاوه بر پیش‌بینی مکاتبات فردی، مکانیزمی برای حل اختلافات میان دولتها نیز مقرر نموده است. بعضی کشورهای اروپایی نظیر فرانسه، اسپانیا و ایتالیا عضو پروتکل هستند. بنابراین ایران در صورت عضویت می‌تواند از مکانیزم اختلافات بین‌الدولی آن نسبت به دولت‌های مزبور به‌عنوان دولت‌های ثالث در موضوع نوشتار حاضر، بهره‌مند شود.

در مورد کنوانسیون حقوق معلولان نیز آمریکا به عنوان امضاکننده، از تصویب آن، همچنین از امضا و تصویب پروتکل مربوطه مشتمل بر صلاحیت کمیته به‌منظور رسیدگی به شکایات، خودداری کرده است. وضعیت آمریکا درخصوص کنوانسیون حقوق کودک نیز به همین ترتیب است و عملاً امکان به‌چالش کشیدن تحریم‌ها در این دو نهاد وجود ندارد و تنها ممکن است تحریم به‌عنوان عذری برای ایفای تعهدات ایران مطرح شود.

دیوان کیفری بین‌المللی نیز به طور متعارف، یک نهاد بین‌المللی حقوق بشر محسوب نمی‌شود؛ لیکن هم در ماده ۲۱ اساسنامه به نقش حقوق بشر در تفسیر اساسنامه اشاره شده که متقابلاً به ایفای نقش دیوان در نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌انجامد. (Young, 2011: 192) و هم نمی‌توان نقش کلی دیوان را در حمایت از حقوق بشر (به‌ویژه مقابله با جنایات علیه بشریت که آشکارا حمایت کیفری بین‌المللی از حقوق بشر هستند)، (Pérez-León , Pablo, 2017: 151) نادیده گرفت. درواقع، حقوق بشر خلاءهای مرتبط با مسئولیت در حقوق بین‌الملل کیفری را پوشش می‌دهد. (Galand, 2019: 130) با عنایت به طرح امکان توصیف تحریم‌ها به‌عنوان جنایت علیه بشریت (و در فرضی ضعیف‌تر جنایت جنگی)، صلاحیت دیوان نیز شایسته توجه است. ونزوئلا که رسیدگی به وضعیت ناشی از تحریم‌ها را از دیوان تقاضا نموده، برخلاف ایران، عضو اساسنامه است. بادر نظر گرفتن عدم عضویت ایران و آمریکا در اساسنامه، دو فرض محتمل است. نخست پذیرش

^۱ Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (2008)

اساسنامه توسط ایران و متعاقباً ارجاع وضعیت به دیوان به موجب بند ۲ ماده ۱۲ و بند ۱ ماده ۱۴ اساسنامه. دوم عدم پذیرش اساسنامه توسط ایران و سپردن اعلامیه‌ای به موجب بند ۳ ماده ۱۲ اساسنامه. درخصوص شق نخست، مانعی وجود ندارد جز این که به موجب بند ۲ ماده ۱۱، دیوان به جرائمی که پس از لازم‌الاجرا شدن اساسنامه نسبت به ایران روی دهد، رسیدگی خواهد کرد که درواقع مستلزم استمرار وضعیت نقض حقوق بشر ناشی از تحریم‌هاست. در شق دوم، این تردید وجود دارد که آیا اعمال صلاحیت دیوان، مستلزم رضایت ایالات متحده نیز هست یا خیر؟ در پاسخ، به نظر می‌رسد صدور اعلامیه از سوی یکی از دولتهای محل وقوع یا متبوع مرتکب، کفایت می‌کند و ضرورتی بر رضایت هر دو کشور نیست. (Klamberg, 2017:172) چنین اعلامیه‌ای نمی‌تواند جنبه فردی داشته باشد، بلکه باید وضعیتی را مورد ارجاع قرار دهد. (Ibid, p 173) ضمن این که در هر دو صورت، به‌عنوان یک تهدید دیوان صلاحیت خواهد داشت اشخاص ایرانی را نیز که احتمالاً در تأثیربخشیدن به نقض حقوق مزبور و تحقق عنصر مادی جنایات، عاملان مؤثر بوده‌اند مشمول تعقیب قرار دهد.

نتیجه‌گیری

تحریم‌های اقتصادی یکجانبه ایالات متحده علیه ایران به نقض تعهدات فراسرزمینی و سرزمینی این دولت درخصوص احترام، حمایت و ایفا جهت تضمین حقوق بشر می‌انجامد. گستردگی و تاثیرگذاری فراوان این تحریم‌ها به گونه‌ای است که شاید بتوان بر مبنای ماده ۷ اساسنامه رم مصداق «اعمال غیرانسانی که عامداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی و روحی» یا حتی «ریشه‌کن کردن» جمعیت غیرنظامی توصیف کرد که بی شک می‌تواند از مصادیق جنایت علیه بشریت محسوب شود و حتی ممکن است مسئولیت دولت ایران را نیز زائل نماید. ویژگی فراسرزمینی تعهدات حقوق بشری، دولت آمریکا در قبال عدم تحقق حقوق بشری ایرانیان مقیم ایران و سایر ایرانیان مسئول ساخته‌است. کشورهای ثالث نیز می‌توانند از اثربخشیدن به تحریم‌ها خودداری کنند؛ نقش دیگر کشورها در احترام به تحریم‌های ثانویه آمریکا و در نتیجه ممانعت یا مزاحمت در بهره‌مندی از ح.ا.ا.ف ایرانیان نه تنها موجب نقض حقوق بشر از سوی آنهاست بلکه از این حیث که خود آنها نیز از چنین تحریم‌هایی متأثر می‌شوند و نسبت به آن نگران هستند، می‌تواند موجب هماهنگی بیشتر در شورای حقوق بشر شود. پیگیری این موضوعات در شورای حقوق بشر از طرق مختلفی چون مشارکت فعال در گزارش ادواری آمریکا و تنظیم گزارش‌های گزارشگر ویژه

درخصوص تحریم‌ها ممکن است. همچنین امکان شکایات فردی و مشخص و عینی از سوی قربانیان تحریم‌های ایالات متحده با حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی و خارجی علیه آمریکا و حتی دولتهای ثالث در شورای حقوق بشر فراهم است؛ اما عدم عضویت آمریکا و ایران در برخی اسناد، کارآمدی کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در رسیدگی به شکایات و حل و فصل اختلافات بین‌الدولی تحت تأثیر قرار داده‌است. همچنین امکان اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نیز در راستای توصیف تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان جنایت علیه بشریت، قابل طرح است. لذا پیشنهاد می‌شود دولت ایران، پروتکل‌های میثاقین را در ارتباط با شکایات به تصویب برساند؛ دیپلماسی حقوقی را در نهادهای بین‌المللی حقوق بشر به منظور تقویت ادبیات حقوقی علیه تحریم به‌عنوان نقض حقوق بشر توسعه بخشند و با سپردن اعلامیه‌ای، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را برای رسیدگی به جنایات علیه بشریت از طریق وضع و اجرای تحریم‌ها به رسمیت بشناسد.

کتابنامه

- امین‌زاده، الهام و خداپرست، ناصر (۱۳۹۱). «نقد تحریم نفت ایران از طرف اتحادیه اروپا از منظر حقوق بین الملل»، دیدگاه‌های حقوقی، ش ۶۰.
- تقی‌زاده‌انصاری، مصطفی (۱۳۸۷). «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد»، اندیشه‌های حقوق خصوصی»، سال ۵، ش ۱۳.
- جاوید، احسان و نیاورانی، صابر (۱۳۹۵). «قابلیت اجرای فراسرزمینی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر»، پژوهش حقوق عمومی، سال ۱۸، ش ۵۳.
- زمانی، سیدقاسم و زنگنه‌شهرکی، جعفر (۱۳۹۲). «تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی»، راهبرد، سال ۲۲، ش ۶۷.
- زمانی، سیدقاسم و غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۹۴). «واکاوی قانونی بودن و مشروعیت تحریم‌های یکجانبه اقتصادی تحت حقوق بین‌الملل»، دیدگاه‌های حقوقی، دوره ۲۰، ش ۷۲.
- سادات‌اخوی، سیدعلی و خداشناس، عباس (۱۳۹۴). «شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و وضعیت حقوق بشر در عربستان سعودی»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، ش ۴.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران: فرهنگ نو.
- کریون، متیو (۱۳۸۷). چشم‌اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محمد حبیبی مجنده، قم: دانشگاه مفید.
- کسس، آنتونیو (۱۳۸۷). حقوق کیفری بین‌المللی، اردشیر امیرارجمند و همکاران، تهران: جنگل.
- لوفلد، آندریاس (۱۳۹۰). حقوق بین‌الملل اقتصادی، محمد حبیبی مجنده، تهران: جنگل.
- محبی، محسن و آذری، هادی (۱۳۹۵). «پاسخ‌هایی جدید به سؤال‌هایی قدیمی: درس‌هایی از آرای کادی»، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۹، ش ۷۵.
- مدنی، سیدضیاءالدین (۱۳۸۷). «التزام بین‌المللی دولت به رعایت حقوق بشر: مقید به مکان؟»، مجله حقوقی، ش ۳۸.
- مقامی، امیر (۱۳۹۴). دستورگرایی در حقوق بین‌الملل، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، تهران: دانشگاه تهران.

موسوی، سیدفضل‌الله؛ جوکار، فضل‌الله و محمدی، عمران (۱۳۹۳). «تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران: تناقض در گفتار و کردار و سیاست‌زدگی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، ش ۴۴.

مؤمنی‌راد، احمد و سیدحسین موسوی‌فر، سید حسین (۱۳۹۱). «موازن وضع تحریم‌های شورای امنیت و وضعیت حقوق بشر در قطعنامه‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، ش ۲.

نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریم‌ها، نگاهی از درون میدان، بی‌نا، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- Cole, Brendan (2018), Mike Pompeo Says Iran Must Listen to U.S. 'If They Want Their People to Eat', Newsweek, available at: <https://www.newsweek.com/1208465>
- Coomans, Fons, "The Extraterritorial Scope of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights in the Work of the United Nations Committee on Economic, Social and Cultural Rights", *Human Rights Law Review* 11:1 (2011)
- De Wet, Erika, "Human Rights Limitations to Economic Enforcement Measures under Article 41 of the UN Charter and Iraqi Sanctions Regime", *Leiden Journal of International Law*, Vol. 14, No. 27 (2001)
- De Wet, Erika, Human Rights Considerations and the Enforcement of Targeted Sanctions in Europe: The Emergence of Core Standards of Judicial Protection, all of them in: *Securing Human Rights: Achievements and Challenges of the UN Security Council*, Bardo Fassbender (Ed), (Oxford University Press, 2011)
- Dörr, Oliver and Kirsten Schmalenbach (eds), *Vienna Convention on the Law of Treaties* (Berlin: Springer, 2011)
- Galand, Alexandre Skander, "The Systemic Effect of International Human Rights Law on International Criminal Law", in: *Human Rights Norms in "Other" International Courts*, Martin Scheinin (Ed), (Cambridge University Press, 2019)
- Jazairy, Idriss, "Unilateral Economic Sanctions, International Law, and Human Rights", *Ethics & International Affairs*, Vol 33, Issue 3 (2019)
- Joyner, Daniel H., "International Legal Limits on the Ability of States to Lawfully Impose International Economic/Financial Sanctions", in: *Economic Sanctions under International Law*, Ali Z. Marossi and Marisa R. Bassett (Eds), (*The Hague: The Hague Center for Law and Arbitration*: 2015).
- Klamberg, Mark, *Commentary on the Law of the International Criminal Court*, (Brussels: Torkel Opsahl Academic EPublisher, 2017)

- Maller, Tara, “*Diplomatic Sanctions as a US Foreign Policy Tool: Helpful or Harmful?*”, Political Science & Politics, Vol 43, Issue 4 (2010)
- MacNaughton, Gillian and Mariah McGill, “*Economic and Social Rights in the United States: Implementation Without Ratification*” Northeastern University Lawjournal, Vol 4, No 2 (2012)
- Milaninia, Nema, “*Jus ad bellum economicum and jus in bello economico: The Limits of Economic Sanctions Under the Paradigm of International Humanitarian Law*”, in: *Economic Sanctions under International Law*, Ali Z. Marossi and Marisa R. Bassett (Eds), (The Hague: The Hague Center for Law and Arbitration: 2015).
- Mohamad, Rahmat, “*Unilateral Sanctions in International Law: A Quest for Legality*”, in: *Economic Sanctions under International Law*, Ali Z. Marossi and Marisa R. Bassett (Eds), (The Hague: The Hague Center for Law and Arbitration, 2015)
- Pellet, Allen, “*Unilateral Sanctions and International Law, A proposal for a New Commission on Unilateral Sanctions and International Law*”, Yearbook of Institute of International Law, Vol 76 (2015).
- Pérez-León Acevedo, Juan Pablo, “*The Close Relationship Between Serious Human Rights Violations and Crimes Against Humanity: International Criminalization of Serious Abuses*”, mexican yearbook of international law, Vol 17 (2017)
- Saul, Ben and David Kinley, Jacqueline Mowbray, *The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights: Commentary, Cases, and Materials*, (Oxford: Oxford University Press, 2014)
- Saul, Matthew, “*The Normative Status of Self-Determination in International Law: A Formula for Uncertainty in the Scope and Content of the Right?*”, Human Rights Law Review, Vol 11 (2011)
- Simma, Brono, et al (Eds), *The Charter of the United Nations: A Commentary*, 3rd Ed, (Oxford University Press, 2013)
- Tzanakopoulos, Antonios, “*Sanctions Imposed Unilaterally by the European Union: Implications for the European Union’s International Responsibility*”, in: *Economic Sanctions under International Law*, Ali Z. Marossi and Marisa R. Bassett (Eds), (The Hague: The Hague Center for Law and Arbitration: 2015)
- Young, Rebecca, “*Internationally Recognized Human Rights’ Before The International Criminal Court*”, International and Comparative Law Journal, Vol 60, No 1 (2011)
- A/HRC/43/61.
- A/HRC/39/54
- A/HRC/39/47/Add.1
- A/HRC/RES/27/21
- A/HRC/30/12

A/HRC/30/12/Add.1

A/HRC/RES/27/21

A/HRC/16/11, Report of the Working Group on the Universal Periodic Review, United States of America (2011)

Committee on the Rights of the Child, General comment No. 15 (2013) on the right of the child to the enjoyment of the highest attainable standard of health (art. 24) (2013)

Committee on the Rights of the Child, General comment No. 19 on public budgeting for the realization of children's rights (art. 4) (2016)

E/CN.4/RES/1994/47.

Economic and Social Council, Resolution 1503.

EU, Council Regulation (EC) No 2271/96 of 22 November 1996 protecting against the effects of the extra-territorial application of legislation adopted by a third country, and actions based thereon or resulting therefrom (1996)

Great Britain, The impact of economic sanctions: 2nd report of session 2006-07, Vol. 1, Report (London: House of Lords, 2007)

ICC, Elements of Crimes (The Hague: International Criminal Court, 2011).

ICC, *Prosecutor v. Bemba*, ICC PT. Ch. II, ICC-01/05-01/08-424, Decision Pursuant to Article 61(7)(a) and (b) of the Rome Statute on the Charges of the Prosecutor Against Jean-Pierre Bemba Gombo (2009).

ICESCR, General comment No. 2: International technical assistance measures (art. 22 of the Covenant) (1990)

ICESCR, General comment No. 3: The nature of States parties' obligations (art. 2, para. 1, of the Covenant) (1990)

ICESCR, General Comment No. 8. The relationship between economic sanctions and respect for economic, social and cultural rights (1997).

ICESCR, General Comment No. 15: The right to water (2002)

ICESCR, General Comment No. 18: Article 6 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (2005)

ICESCR, General Comment No. 19 the Right to Social Security (Art. 9) (2008)

ICESCR, General comment No. 24 on State obligations under the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights in the context of business activities (2017).

ICJ, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion (2004).

ICJ, Alleged violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Order (2018).

ICTY, *Prosecutor v. Perišić*, "Judgement", IT-04-81-T, 6 September 2011.

ICTR-96-4, ICTR T. Ch., 2, Akayesu, (1998).

ICTR, Prosecutor v. Musema, "Judgement", ICTR-96-13-T (2000).

ILC, Report on the work of the fifty-eighth session (2006).

OIC/IPHRC/REP/ECO-SANC/2014/Cfm-41 OIC Independent Permanent Human Rights Commission (IPHRC) Report On: The Negative Impacts Of Economic And Financial Sanctions On The Full Enjoyment Of Human Rights Of People Of The OIC Targeted Countries.

OFAC, *Clarifying Guidance Humanitarian Assistance and Related Exports to the Iranian People* (2013).

UN, Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (2008)

UN/GA/Res. 73/167.

UN/GA/Res. 73/175

UN/GA/Res. 72/168.

UN/GA/Res. 68/53.

UN/GA/Res. 66/53.

UN/GA/Res/60/251

UN/GA/Res. 2625 (XXV)

US UPR Report, 2010.

<https://www.euractiv.com/section/global-europe/news/instex-fails-to-support-eu-iran-trade-as-nuclear-accord-falters/>

https://www.ciel.org/wp-content/uploads/2015/05/Maastricht_ETO_Principles_21Oct11.pdf

<https://www.icc-cpi.int/itemsDocuments/200212-venezuela-referral.pdf>

<https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=200217-otp-statement-venezuela>

<https://www.ohchr.org/EN/Issues/UCM/Pages/Reports.aspx>

<https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/programs/pages/iran.aspx>

https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IV-3&chapter=4&clang=_en

<https://mfa.gov.ir/portal/newsview/577426>